

# زنان در مسند قدرت و تصمیم‌گیری<sup>۱</sup>

برگردان: روح‌انگیز پورناصح

براساس اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر هر یک از افراد بشر حق شرکت در حکومت کشورشان را دارند. قدرت و استقلال زنان و پیشرفت موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها برای دست‌یابی به دولت و حکومتی مسوول و شفاف و تداوم پیشرفت در عرصه‌های مختلف زندگی، ضروری به نظر می‌رسد. مناسبات متکی بر قدرت که مانع زندگی مطلوب برای زنان است، همه‌ی سطوح جامعه را، از خصوصی‌ترین مسایل گرفته تا عمومی‌ترین آنها، پوشش می‌دهد. دست‌یابی به هدف مشارکت برابر زنان و مردان در تصمیم‌گیری‌ها، موازنه‌ای به وجود می‌آورد که سیمای جامعه را با دقت بازتاب می‌دهد و برای تقویت دموکراسی و ارتقای عملکرد آن ضروری است. برابری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش کلیدی دارد؛ و بدون آن تلفیق واقعی ابعاد برابری در سیاست‌گذاری حکومت به تقریب بعید به نظر می‌رسد. برخورداری زنان از حقوق برابر در زندگی سیاسی، نقش محوری در روند عمومی ارتقای زنان دارد. مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری‌ها، نه تنها از شرط‌های اصلی عدالت محض یا دموکراسی، که لازمه‌ی اعمال علایق زنان در امور نیز می‌باشد. بدون مشارکت فعال زنان و دخالت دادن دیدگاه‌های آنان در کلیه‌ی سطوح تصمیم‌گیری، دست‌یابی به هدف‌های برابری، پیشرفت و صلح امکان‌پذیر نیست.

با وجود جنبش گسترده برای برقراری دموکراسی در بسیاری از کشورها، زنان نقش بارزی در بیش‌تر سطوح حکومتی، به‌خصوص در دولت و دیگر ارگان‌های اجرایی ندارند، و روند قدرت‌گیری آنها در نهادهای قانونی ضعیف است. زنان در سطح جهان در صد خیلی پایینی از پست‌های حساس قانونی و وزارتی را اشغال کرده‌اند. در حقیقت

1. Women in Power and Decision - making.

برخی از کشورها، از جمله کشورهایی که دستخوش تغییرهای بنیادین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده‌اند، کاهش چشم‌گیری را در تعداد زنان شاغل در ارگان‌های قانونی شاهد هستند. زنان اگر چه به‌تقریب در همه‌ی کشورها، دست‌کم نیمی از حوزه‌های انتخابی را به‌خود اختصاص می‌دهند، در انتخابات شرکت می‌کنند و به‌تقریب در همه‌ی کشورهای عضو سازمان ملل برخی پست‌ها را هم در اختیار دارند، با وجود این از سهم عادلانه‌ای در کاندیداتوری برای مناصب دولتی برخوردار نیستند. بسیاری از حزب‌های سیاسی و ساختارهای حکومتی که با الگوهای سنتی اداره می‌شوند، مانعی برای مشارکت زنان در زندگی اجتماعی هستند. البته این واقعیت هم وجود دارد که زنان به‌خاطر نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آلود، عهده‌داری مسوولیت مراقبت از کودکان و خانواده و بهای سنگینی که پرداخت آن برای اشغال پست‌های اجتماعی ضروری است، از پی‌گیری این مهم ناامید می‌شوند. زنان می‌توانند در پست‌های حساس تصمیم‌گیری حکومت و ارگان‌های قانونی، در تعریف مجدد اولویت‌های سیاسی، اعمال نمونه‌های جدید در برنامه‌های سیاسی، که به‌مسأله‌های مهم زنان، ارزش‌ها و تجربه‌هایشان می‌پردازد و آن‌ها را بازتاب می‌دهد، سهم باشند و دیدگاه‌های جدیدی را در جهت‌گیری مسایل سیاسی ارائه دهند.

زنان شایستگی خود را با رهبری مجامع سازمان‌های غیررسمی و هم‌چنین برخی مشاغل به‌اثبات رسانده‌اند، با وجود این معیار حاکم برجامعه و رایه‌ی کلیشه‌های منفی از زنان و مردان، به‌ویژه به‌وسیله‌ی رسانه‌های گروهی، فرادستی مردان را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی همچنان تقویت می‌کند. به‌علاوه، دورنگه‌داشتن زنان از ارگان‌های تصمیم‌گیری در زمینه‌های هنر، فرهنگ، ورزش، رسانه‌های گروهی، آموزش، مذهب و قانون، آنان را از ایفای نقش در هدایت بسیاری از سازمان‌های بنیادین باز می‌دارد.

از آنجایی که زنان در نهادهای سنتی قدرت، از قبیل هیات‌های تصمیم‌گیری حزب‌های سیاسی، تشکیلات کارفرمایان و اتحادیه‌های تجاری فاقد نقش کلیدی و تأثیرگذار هستند، توانایی‌های خود را در سازمان‌های جانشین، به‌خصوص بخش سازمان‌های غیردولتی (NGOها) نشان می‌دهند. زنان از طریق NGOها و سازمان‌های مردمی، علائق و دل‌بستگی‌هایشان را بیان می‌کنند و در عین حال می‌توانند مسایل خود را در دستور کار مجامع ملی، منطقه‌ای و جهانی بگنجانند.

نابرابری در عرصه‌ی اجتماعی که با نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آلود و مناسبات زورمدارانه میان زنان و مردان همراه است، از خانواده شروع می‌شود. تقسیم نابرابر کار و مسوولیت‌های خانوادگی، براساس مناسبات متکی بر قدرت باعث می‌شود که توانایی زنان در پرورش مهارت‌هایی که برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی وسیع‌تر لازم است، محدود شود سهم برابر زنان و مردان در مسوولیت‌ها نه تنها زندگی بهتری را برای زنان و دخترانشان فراهم می‌سازد، بلکه همچنین موقعیت آن‌ها را در برنامه‌ریزی‌های عملی و شکل‌دهی سیاست عمومی چنان ارتقا می‌دهد که علایق آن‌ها شناسایی می‌شود مورد توجه قرار می‌گیرد. شبکه‌های غیررسمی و مراجع تصمیم‌گیری در سطح محلی با بازتاب فرهنگ مسلط مردان، از میزان مشارکت زنان در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌کاهند.

سهم ناچیز زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، حصارهای نگرشی و اساسی را، که برچیدن آن‌ها نیاز به برنامه‌های راه‌گشا دارد، بازتاب می‌دهد. حکومت‌ها، شرکت‌های ملی و فراملیتی، وسایل ارتباط جمعی، بانک‌ها، انستیتوهای علمی و آکادمیک و سازمان‌های ملی و جهانی، همچون ارگان‌های زیر پوشش سازمان ملل، از توانایی‌های زنان در مدیریت‌های سطح بالا، سیاست‌گذاری و روابط دیپلماتیک، استفاده‌ی بهینه نمی‌کنند.

توزیع عادلانه‌ی قدرت و تصمیم‌گیری در تمام سطوح، بستگی به حکومت‌ها و مسوولان بررسی جنسیتی آمار و همچنین جهت‌گیری چشم‌انداز جنسیتی در توسعه‌ی سیاسی و تحقق برنامه‌ها دارد. برابری در تصمیم‌گیری، برای توان‌مندی زنان ضروری است.

موسسه‌های آماری ملی، منطقه‌ای و جهانی هنوز هم آگاهی‌های کافی درباره‌ی این که چگونه مسایل مرتبط با رفتار یکسان در برابر زنان و مردان را در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی بگجانند، ندارند. در عین حال از آگاهی و شیوه‌های موجود در حوزه‌ی مهم تصمیم‌گیری هم استفاده‌ی کافی نمی‌شود.

برای پرداختن به نابرابری زنان و مردان در سطوح مختلف قدرت و تصمیم‌گیری، حکومت‌ها و دیگر مسوولان باید با خط‌مشی مشخص و فعال، طراحی چشم‌انداز جنسیتی در سیاست‌ها و برنامه‌ها را به‌گونه‌ای پیش ببرند، که پیش از اتخاذ هر تصمیمی، تحلیلی از تاثیر آن بر روی زنان و مردان انجام پذیرد.